

حق متفاوت بودن

محمود صادقی، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفتوگو با «اعتماد» از مطالبات زنان و نسل Z می‌گوید

مهدی بیک اوغلی

«به رسمیت شناختن حق متفاوت بودن»؛ یکی از مهم‌ترین ضرورت‌هایی است که ایران مدل 1403 برای ارتباط با نسل دهه هشتادی‌ها و البته جامعه زنان و سایر ایرانیان به آن نیاز دارد. رویکردی که برخی نگاه‌های رادیکال و یکسویه امکان تحقق آن را گرفته و جامعه را با خطر یک شکل شدن و ظاهرگرایی مواجه ساخته است. محمود صادقی، فعال سیاسی اصلاح طلب معتقد است با توجه به پوستاندازی جامعه و ظهور نسل Z اصلاحات نیازمند ارائه قرائتی نو و گفتمانی جدید است؛ قرائتی که حق «متفاوت بودن» را برای اقشار مختلف جامعه به رسمیت می‌شناسد و تلاش می‌کند به‌رغم همه تفاوت‌ها نقطه اشتراکی برای حصول منافع ملی و مصالح جمعی پیدا کند. اساساً ویژگی گفتمان اصلاحات در دوم خرداد 76 توجه به همین گزاره‌های متفاوت بود. سیدمحمد خاتمی در شمایل نامزد جناح چپ در آن سال‌ها، تلاش کرد ارتباط معناداری با زنان، جوانان و اقشار مختلف جامعه ایرانی در آن برهه پیدا کند. خاتمی رو به روی جوانان می‌نشست و از آزادی سخن می‌گفت و وعده جامعه‌ای آزاد و مردم‌سالار را به آنها می‌داد. جوانانی که امروز با عبور از سال‌های پرفراز و نشیب دهه‌های 80 و 90 و ورود به قرن جدید تلاش می‌کنند در گوش فرزندان‌شان که از آنها می‌پرسند چرا حاضر شدند در انتخابات شرکت کنند؟ دلایل خود برای رای دادن به اصلاحات و خاتمی را تشریح کنند. دلایلی که چندان بیراه هم نبودند، داده‌های مستند آماری حاکی است که ایران در دوران اصلاحات هم از منظر اقتصادی و هم در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و دیپلماسی و... عملکرد قابل توجهی داشته است. اما تحركات جریان‌ات رادیکال و گروه‌های فشار باعث شیوع جوی از ناامیدی در کشور شد و پروژه اصلاحات را برای چند دهه به تعویق افکند. نسل دهه 70 اما به‌رغم همه فشارها و تندرویی‌ها و محرومیت‌ها هنوز در انتظار فرصتی هستند که این پروژه را به نتیجه برسانند.

«اعتماد» در تداوم گفت‌وگوهای خود با نامزدهای اصلاح‌طلب این بار روبه‌روی محمود صادقی نشست و از بایدها و نبایدهای انتخابات سخن گفته است. او معتقد است: «برای بازگرداندن مردم به صندوق‌های رای، باید گام به گام و مرحله به مرحله پیش رفت. همین امروز مشخص نیست حتی در صورت باز شدن فضا و رقابتی‌تر شدن انتخابات، مردم مشارکت کنند. می‌گویند ویران کردن راحت‌تر از ساختن و آبادانی است. به راحتی می‌توان امید مردم را از صندوق‌های رای از میان برد، اما بازگرداندن امید مردم به صندوق‌های رای زمان‌بر است.»

این روزها، موضوع مهم کشور، بحث انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم است. برخی در نفي و گروهی دیگر در تایید مشارکت بالا در انتخابات صحبت می‌کنند. تحلیل شما از فضای سیاسی فعلی چیست؟

فضای سیاسی کشور به دلیل اتفاق غیرمنتظره‌ای که در 30 اردیبهشت‌ماه رخ داد دچار پیچیدگی‌های فراوانی شده است. البته باید اذعان داشت که ساز و کارهای نظام سیاسی در کشور از چنان ثباتی برخوردار است که به سرعت مطابق اصل 31 قانون اساسی، فرآیند انتخاب رییس‌جمهور آغاز و کشور آرامش نسبی پیدا کرد. این رخداد اگر در بسیاری از کشورهای دیگر رخ می‌داد، شاید ناآرامی‌هایی ایجاد می‌شد اما جای خوشحالی است که ثبات ایران حفظ شد. اگرچه وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم با عملکرد دولت سیزدهم وخیم شده، اما با توجه به اینکه رییس‌جمهور جدید قرار است روی کار بیاید، این امیدواری وجود دارد که حضور يك دولت کارآمد کمی از شدت آلام مردم بکاهد. با پشت سر گذاشته شدن این حادثه، اغلب افراد موثر در عرصه سیاست از جمله جناح حاکم (دولت و سایر نهادهای تصمیم‌ساز) و فعالان سیاسی و احزاب دچار نوعی اضطراب شدند و در کوتاه‌مدت ناچار به اتخاذ برخی تصمیمات اضطراری شدند. به این معنا که مقدمات برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری که به‌طور طبیعی می‌بایست ظرف يك سال اجرایی می‌شد، ظرف 50 روز عملیاتی خواهد شد. البته این 50 روز هم به سرعت در حال اتمام است.

این فضای اضطراری در اردوگاه‌های مختلف سیاسی تاثیرات متفاوتی ممکن است داشته باشد؛ فضای موجود در اردوگاه اصولگرایی از نظر شما واجد چه ویژگی‌هایی است؟

در اردوگاه اصولگرایان به دلیل باز شدن گسل‌ها و اختلافات که معمولاً هفته هستند اما پس از یک‌دست شدن ساختار سیاسی نمایان شده‌اند، شاهد چنددستگی و انشقاق بسیاری هستیم. پس از انتخابات کم‌فروغ

اسفند 1402 که رکوردهای عدم مشارکت شکسته شد، تغییراتی در آرایش سیاسی کشور ایجاد شد. مبتنی بر این تغییرات اصولگرایان هم تحولاتی را پشت سر گذاشتند. در اثر این رخدادها، طیفهای رادیکال با تلاش طیفهای میانه‌روتر مهار شدند، اما هنوز چنددستگی در جبهه اصولگرایی در بالاترین حد وجود دارد. در انتخابات اخیر، طیفهای مختلف جریان راست با افشاگری‌های دامنه‌داری که انجام شد از خجالت هم در آمدند. به گونه‌ای که این جناح حتی با تذکرات پی‌درپی رهبری هم مواجه شد. مجموعاً به نظر می‌رسد، تفرقی در جریان اصولگرا وجود دارد که نشانه‌های آن در جریان ثبت‌نام‌های انتخاباتی نیز نمایان شده است.

آیا می‌توان دسته‌بندی خاصی از نامزدهای اصولگرا در انتخابات 1403 ارائه کرد؟

اگر قرار باشد يك شاخصه مهم را برای جریان اصولگرایی در انتخابات چهاردهم نام ببریم باید به انشقاق موجود در این جریان اشاره کنیم. جریان‌های رادیکال و تند جناح راست به وسیله سعید جلیلی نمایندگی و راهبری میشوند. در نقطه مقابل هم محمدباقر قالیباف حضور دارد که تلاش می‌کند قرائت خاص خود از نواصولگرایی را ارائه کند. در ادامه با نزدیک‌تر شدن به منتهی‌علیه میانه، چهره‌ای چون علی لاریجانی حضور دارد. این سه ضلع اصلی، مثلث اصولگرایی را تشکیل می‌دهند. ضمن اینکه نامزدهای منسوب به دولت هم در بین خطوط این جریان‌ها حضور دارند. انتشار نامه‌ای منسوب به وزرا و معاونان رییس‌جمهور به شورای نگهبان برای تایید صلاحیت اسماعیلی، نشان داد که دولتی‌ها هم تکاپوی فراوانی برای اثرگذاری در انتخابات دارند. به‌رغم این تکرار، روشن است که هنوز انسجامی میان اضلاع مختلف مثلث اصولگرایی شکل نگرفته است. البته شنیده‌هایی هم وجود دارد که افرادی چون حداد عادل و محسن رضایی، تلاش می‌کنند تا اتحادی در جریان اصولگرایی ایجاد کنند که هنوز منتج به نتیجه نشده است.

این روند در اردوگاه اصلاح‌طلبی با توجه به دغدغه‌های همیشگی این جریان در خصوص احراز صلاحیت‌ها به چه صورتی است؟

در اردوگاه اصلاح‌طلبی، پس از بحث‌های ابتدایی، اصلاح‌طلبان تصمیم به مشارکت فعال در انتخابات گرفتند. این مشارکت‌جویی به دلیل تحلیلی است که این جریان از اهمیت انتخابات ریاست‌جمهوری دارد. در واقع تحلیل‌هایی که باعث شده بود اصلاح‌طلبان تصمیم به عدم مشارکت در انتخابات 1402 بگیرند و حتی سید محمد خاتمی حاضر به انداختن رای

به صندوقها نشد، اصلاح‌طلبان را بر آن داشته تا تصمیم به مشارکت در انتخابات 1403 بگیرند. نشانه‌های برگزاری انتخاباتی مشارکتی، رقابتی و معنادار که در انتخابات قبلی مفقود بود، بنابراین دلیلی برای حضور در آن احساس نشد، این بار متفاوت‌تر بروز کرده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل شرایط فوق‌العاده‌ای که پیش آمده، انشاقی که در جناح مخالف مشاهده می‌شود و اهمیت جایگاه ریاست‌جمهوری در تحقق مطالبات مردم، اصلاح‌طلبان تصمیم به مشارکت گرفته‌اند.

شما اشاره کردید اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دوازدهم به دلیل فقدان رقابت، مشارکت و معنادار بودن شرکت نکردند، آیا این مشکلات و کمبودها در انتخابات ریاست‌جمهوری رفع شده است؟

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که مشارکت در انتخابات پیش رو بالاتر از آوردگاه‌های قبلی خواهد بود. اغلب نظرسنجی‌ها، مشارکت بالای 50 درصد را محتمل می‌دانند. اگر نظام تصمیم بگیرد که انتخابات را رقابتی کند، دومین گزاره مورد نیاز هم محقق می‌شود. در این صورت رای مردم و مشارکت آنها، انتخابات 1403 را معنادار می‌کند. مبتنی بر این استدلال‌های کلی اصلاح‌طلبان تصمیم به مشارکت در انتخابات گرفته‌اند. اشاره‌هایی در صحبت‌های رهبری برای استفاده از فرصت انتخابات وجود دارد، ضمن اینکه رخدادهای اعتراضی سال 1401 مطالباتی را ایجاد کرده که نظام باید به آنها توجه نشان دهد. اصلاح‌طلبان البته تأکید کرده‌اند در صورتی که انتخابات رقابتی نشود و نامزد اصلاح‌طلب حضور در انتخابات نداشته باشد، در انتخابات شرکت نمی‌کنند. نهایتاً پس از بحث و تبادل نظرهای فراوان در يك بستر دموکراتیک، 3 نامزد نهایی جبهه انتخاب شدند. امروز توپ در زمین نهادهای نظارتی است که فضا را برای مشارکت جریان‌های مختلف و مردم فراهم کنند. بر اساس بیانات آقای خاتمی به جز این 3 نفر، نامزدي از سوي اصلاح‌طلبان معرفی نمی‌شوند. باید منتظر روزهای آینده بمانیم تا مشخص شود آرایش سیاسی جناح‌ها در انتخابات چگونه خواهد بود.

سیستم طی 3 دوره اخیر به سمت شکل‌دهی به حاکمیت یک‌دست حرکت کرده است. مبتنی بر این ایده، نامزدهای اصلاح‌طلب رد صلاحیت شدند و مشارکت در انتخابات نزولی شد. ادامه این روند کشور را با چه خطراتی مواجه می‌کند؟

اگر همان‌گونه که دبیر شورای نگهبان اعلام کرده همان روندها و خطوط قبلی ادامه پیدا کنند، فکر می‌کنم بحران‌هایی که در متن کشور و

جامعه وجود دارند، فزاینده‌تر شده و شتاب بیشتری بگیرد. بحران در حوزه مدیریت کشور، بحران‌های اقتصادی و معیشتی، بحران در بخش سیاست خارجی، بحران در بخش سرمایه اجتماعی و... اگر تصمیم‌سازان نخواهند شرایط محدود فعلی را کمی بازتر کنند، ناامیدی فزاینده‌ای در سطح سیاسی، نخبگانی و عموم مردم شکل می‌گیرد. برای بازگرداندن مردم به صندوق‌های رای، باید گام به گام و مرحله به مرحله پیش رفت. همین امروز مشخص نیست حتی در صورت باز شدن فضا و رقابتی‌تر شدن انتخابات، مردم مشارکت کنند. می‌گویند ویران کردن راحت‌تر از ساختن و آبادانی است. به راحتی می‌توان امید مردم را از صندوق‌های رای از میان برد، اما بازگرداندن امید مردم به صندوق‌های رای زمان‌بر است. اگر نظام نخواهد انتخابات را به صورت رقابتی برگزار کند، سرمایه آسیب دیده اجتماعی، مجالی برای ترمیم پیدا نمی‌کند و در ابعاد مختلف از جمله حوزه امنیتی با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شویم.

بخشی از خطرات موجود مرتبط با انتخابات آمریکا و احتمال ورود ترامپ به عرصه سیاسی امریکا است. انتخابات امریکا چقدر می‌تواند در بروز مشکلات برای ایران اثرگذار باشد؟

یکی از خطرات مهم پیش روی ایران، پیش‌بینی‌هایی است که در خصوص انتخابات آمریکا می‌شود. اگر ترامپ روی کار بیاید، در ایران به دولتی نیاز است که پشتوانه رای بالای مردمش را پشت سر خود داشته باشد. ایران چه قصد داشته باشد در برابر ترامپ ایستادگی کند و چه به دنبال مذاکره با او باشد، نیازمند دولتی است که نماینده واقعی اکثریت مردم ایران باشد.

برخی تحلیلگران معتقدند که گفتمان اصلاحات پس از فتوحات دهه 70 نیازمند به روزآوری گفتمان خود است. با توجه به رخدادهاي اخیر نسل دهه هشتادیها مطالبات خاص خود را دارند، موضوع مطالبات زنان جدی‌تر از قبل مطرح شده و مسائل اقتصادی و رفاهی هم شکل تازه‌ای پیدا کرده است. آیا گفتمان اصلاحات می‌تواند به این مطالبات فراگیر پاسخ بدهد؟

به عنوان یکی از نامزدهای اصلاح‌طلب، سعی کرده‌ام گفتمان به روز شده و راه‌حل‌های شفاف‌تری را ارائه کنم. مجموعه جریان اصلاحات توانسته‌اند خود را با شرایط جدید وفق بدهند. اساسا کنشی که اصلاحات و شخص آقای خاتمی در انتخابات مجلس 1402 برنامه‌ریزی کردند در راستای ترمیم سرمایه‌های اجتماعی این جریان و بازگشت به بدنه

اصلاحات بوده است. اما براي تحول گفتماني و به روزسازي كامل، نياز به كار و تلاش بيشتر است. در شرايط فعلي، هنوز شاهد شكل گيري يك چنين گفتماني نيستيم. در واقع اصلاح طلبان بيشتر نسبت به تحولات واكنش نشان مي دهند تا اينكه كنشگر رخدادها باشند. آقاي خاتمي چند سند راهبردي تهيه كردند كه در نوع خود بسيار بديع بود اما در سطح احزاب، تشكلهاي مدني و... هنوز كارهاي بسياري نياز است. در برنامه شخصي من نگرشهاي نويني به مسائل روز جامعه وجود دارد. محور برنامه ريزي من در حوزه فرهنگي و اجتماعي شناسايي حق تفاوت و متفاوت بودن است. در عرصه حكمراني اقتصادي نياز به برنامه هايي چون «يك دولت و يك بودجه» داريم. برنامه مهم ديگر تحول در الگوي توسعه به مثابه خاستگاه محيط زيست با تاكيد بر اقتصاد سبز است. در حوزه سياست داخلي، سياستها بايد بر پايه دلبستگي و همبستگي ملي باشد. گفتمان هايي كه فكر مي كنم زمينه هاي تازه اي براي نسلهاي نو ايجاد كند. مجموعه اين ايده هاي نو علمي زمينه نوسازي گفتمان كلان اصلاحات را فراهم مي سازد.

منبع: [www.iranpress.com](#) 20 [www.iranpress.com](#) 1403